

درست بوده ایم ما تبلیغات آنچنانی نداشتیم و در ساعت هفت و همزمان با بسیاری از بزرگان تئاتر اجرا می کنیم اما کمتر شبی گمانم در حدود دو شب سولد اوت نداشتیم و از شب اول استقبال خوبی شد که به نظرم دو علت داشت یکی تبلیغات دهان به دهان مخاطبان و دیگری برگه تیوال که مخاطبان برای مان نظر می گذاشتند و بنوعی بیچیدن خبر نمایش بین انسان ها را مادیون مخاطبان مان هستیم.

**اگر از طریق رسانه ما بخواهید به مخاطبان تان چیزی بگویید آن چیست؟**

من قبلا شنیده بودم که در ژاپن به مشتری احترام فراوانی می گذارند چرا که اعتقاد دارند که ما هر چه داریم از مشتری است. برای ما هم همینطور است بیش از آنچه بتوان فکر کرد ما با مخاطب زنده ایم. حتی وجود دو مخاطب بیشتر دلگرمی زیادی برای بچه های تئاتر ایجاد می کند و ما بسیار ممنونیم که می آیند و کار ما را می بینند این به ما انرژی و دلگرمی می دهد تا بتوانیم با این اوضاع اقتصادی تئاتر به کارمان ادامه دهیم.

### فرزاد رزاقیان:

#### استقبال مخاطبان غافلگیر کننده بود

**لطفا در مورد خودتان و آشنایی تان با کارگردان و تئاتر بفرمایید.**

رشته تحصیلی و فعالیت من مهندسی عمران است در دوران دانشجویی با آقای ذولفقاری فرد آشنا شدم و از سال ۹۵ خیلی اتفاقی ایده های ایشان را در مورد تئاتر و سینما شنیدم و خوشم آمد. وقتی فهمیدم که به دلایل مالی در حد ایده باقی مانده اند و عدد و رقم های مورد نیاز را پرسیدم پیشنهاد دادم که با هم کار کنیم در آن زمان فیلمنامه ای به اسم نطفه داشتند که ساختم و تجربه خوب و دوست داشتنی برای مان بود تا بعد از کرونا که به من پیشنهاد تهیه کنندگی بنکسی بزرگ را دادند که اثر موفق بود. بعد از آن تصمیم گرفتم که این کار را ادامه بدهیم و با قدم های کوچک ولی بیوسته در این راه رشد کنیم تا اینکه به نمایش محاکمه النار رسید. پسر عموی بنده آرش رزاقیان هم به علت علاقه شان به متن و دغدغه مشترکی که با کار داشتند به تیم تهیه پیوستند و از اواخر اردیبهشت تمرینات این اثر شروع شد.

**آیا از همکاری مسئولین سالن ارغوان راضی بودید؟**

اگر بخواهم بگویم ارغوان ایده آل و خیلی خوب بود حرف درستی نیست اما از آنجا که قضاوت ما باید بر اساس شرایط باشد و با در نظر گرفتن همه پارامترهای موجود من از همکاری با ارغوان راضی بودم هر چند که نقص هایی بود. همه ما می دانیم که در سال گذشته چه محدودیت هایی داشتیم و همین که این سالن هنوز فعال است و با رایزنی می توان با آنها همکاری کرد راضی کننده است.

**در مورد استقبال مخاطبان بگویید.**

استقبال مخاطبان عالی و غافلگیر کننده بود با اینکه می دانستیم که اثر مورد استقبال خواهد بود و سولد اوت های زیادی خواهیم داشت ولی این حجم استقبال از روز اول باور نکردنی بود و جا دارد که از مخاطبان مان تشکر ویژه ای داشته باشیم.

**چالشی که در تهیه کنندگی این اثر داشتید چه بود و به عنوان تهیه کننده جوان پیشنهادتان به کسانی که علاقه مند به این مبحث هستند چیست؟**

پهچها مدت زمان طولانی وقت و انرژی می گذارند و بحث مالی هم نمی کنند اما دست ما بسته است و در این زمینه شرمند آنها می شویم حتی وقتی کار پر مخاطب بوده بعد از چند ماه انرژی گذاشتن یک رقم محدودی می توانیم تقدیم شان کنیم و این بزرگترین چالش من است. من تئاتر و فیلم را کلا دوست دارم. حال و هوای زندگی انسان را تغییر می دهد. دیدن اینکه چیزی ساخته می شود که من در آن سهمی ولو کوچک دارم برای لذت بخش است و پیشنهاد می کنم اگر کسی تئاتر را دوست دارد، از روز هایی که به سر تمرین می آید و با گروه تعامل دارد همینطور از دغدغه ها و سختی ها و برخورد نزدیکتر با مخاطبان لذت می برد به این فشار و کار ورود شود.

### امین قنبری:

#### ما بودن در تئاتر برای من ارزشمند است

**در مورد نحوه انتخابتان برای این نقش بگویید**  
فرشید ذولفقاری فرد نویسنده خوبی است او این اثر را چند سال قبل نوشته بود ولی به دلیل کرونا و جنبش های اجتماعی سیاسی ایران تا به امروز مجال اجرای آنرا نیافته بود من در

تمرینات اولیه نقش میوه فروش را می خواندم و نقش فعلی که برادر الناست آخرین نقشی بود که در بازنویسی های بعدی به اثر اضافه شد. این کاراکتر را با ویژگی لکننت زبان بازی کردم چرا که مانند باقی کاراکترها او را یک کاراکتر منفی نمی دیدم و تمایل داشتم که مخاطب با نقشم همذات پنداری کند و عملی را که برادر انجام می دهد درک کند.

**برای طبیعی جلوه کردن لکننت زبان در نقش تان چه تمریناتی داشتید؟**

تمرین بیان در بازیگری نیاز به ابزار ندارد حتی زمانی که پشت فرمان ماشین هستید هم می توانید انجامش دهید و من هم کاراکترهای مختلف و گویش های مختلف را تست می کنم و لکننت را از قبل آماده داشتم و در جلسه اول ارائه کردم که مورد پسند کارگردان بود ولی با کمک محمد حداد کاشانی که روانشناس کودک و از بازیگران همین نمایش است، مدل های مختلف لکننت را شناختم و یکسری تحقیقات ویدیویی داشتم و نتیجه کار این شد که بر روی صحنه دیدید.

**تئاتر چه تاثیری بر روی زندگی شما دارد که با توجه به اینکه از نظر اقتصادی شما را تامین نمی کند باز آن را ادامه می دهید؟**

امرار معاش من از طریق طراحی گرافیک است و با تنظیم زمانم سعی می کنم به تئاتر هم بپردازم. همینطور سال هاست که کمانچه می نوازم و در شاخه های دیگر هنر هم فعالیت می کنم و هر کدام این هنرها یک بعدی از نیازهای روحی مرا تامین می کند اما تئاتر با توجه به اینکه یک فعالیت گروهی است و این ما بودن و جمع بودن به منظور رسیدن به هدفی برای من دوست داشتنی و ارزشمند است. علاوه بر این تمرینات دیگری که در تئاتر داریم برای همه وجوه زندگی مان حتی کمک کردن به دیگران و داشتن یک حال خوب تاثیر می گذارد جوری که نمی توان آن را رها کرد.

### مهدی حیدری:

#### داستان به عملش باور دارم

**از نحوه ورودتان به تئاتر بگویید.**

رشته تحصیلی من مهندسی صنایع است ولی از همان ابتدای دانشگاه کلاس های بازیگری می رفتم و در دو تله فیلم حضور داشتم ولی چند سالی بیشتر به شغل مهندسی پرداختم و از تهران دور بودم تا دوباره برگشتم و دوباره کلاس های بازیگری رفتم و با همکاری پسر عمویم شرکتی در راستای تولیدات ویزال انجام می دادیم مانند ویزال فیلم رخ دیوانه که بخاطرش سیمیرغ فجر بدست آوردیم و بعد از چند اثر کوتاه دیگر، تا کار لحظه گرگ و میش همایون اسعدیان و در عرصه نمایش هم مونولوگ آقای فروغی و نمایشنامه خوانی هفت منو و شاخه گلی برای لیلیا تا اینکه از طریق یکی از دوستانم با این گروه آشنا شدم و بعد از تست دادن نقش داستان را به من محول کردند.

**در مورد شخصیت پردازی کاراکتر داستان بگویید.**

در ابتدا طراحی شخصیت کمی به سمت طنز رفت ولی طی صحبت های مان با کارگردان گفتم که این نقش را بسیار جدی می بینم. به نوعی به عملش باور دارم و فکر می کند که در دستش همین است و بک گراندی که برایش ساختن این بود که او در کودکی از جامعه ضربه خورده و ظلمی به خانواده اش روا داشته شده که دیگر ارزش های اخلاقی و باور او به عدالت از بین رفته تنها خودش و خواسته اش است که برایش مهم است و با این باور تمام تلاشش را برای رسیدن به نتیجه دلخواهش می کند.

**اکثر هنرمندان تئاتر برای امرار معاش به شغل دیگری مشغول هستند این مسئله چه آسیبی به فعالیت های تئاتری آنها می زند؟**

یکی از آسیب ها داخل زمانی با برنامه گروه های تئاتر است که باعث می شود شما فرصت همکاری در پروژه های مختلف را از دست بدهید. بعد از نمایش آقای فروغی، شش نمایش به من پیشنهاد شد که به همین دلایل نتوانستم همکاری کنم. سیزده سال کارمند بودم و تئاتر را در کنارش ادامه می دادم اما از جایی دیگر گفتم بس است و کلا کار را رها کردم و به شغلی که زمان و آزادی فکری بیشتری به من می داد روی آوردم تا زمانی که در آمد به عنوان بازیگر تئاتر به حدی برسد که بتوانم با تمرکز کامل فقط به این امر بپردازم.

### شهلا رحیمی:

#### هر بار جای یک نفر می شکم

**نحوه ورودتان به تئاتر چگونه بود؟**

رشته تحصیلی من کارگردانی تئاتر است و در نمایش های سقراط، دولت ضعیفه، چیدا و... حضور داشتم تا نمایش بنکسی بزرگ که کار قبلی همین گروه نمایشی بود و در نهایت نقش الناست

بر عهده من گذاشته شد.

**نقش الناست با ظلم زیادی روبرو می شود چالش نقش الناست برای شما چه بود؟**

چالش من برای این نقش بیشتر این بود که چنین موردی وجود ندارد که یک کور مادرزاد بینا شده باشد، در نتیجه حرکت چشم ها و دستانتش برابم چالش برانگیز بود، چرا که یک کور مادرزاد رنگ ها را نمی شناسد، حتی خواب هم نمی بیند و در یک تاریکی مطلق زندگی می کند و همه چیز برایش بعد از بینایی جدید خواهد بود. من بیشتر با بدن فیلم های مستند و بر خورد با افراد نابینا توانستم تا حدی که در اجرا دیدید به نقش نزدیک شوم و در برابر ظلمی که به الناست می شود و آن حکمی که صادر می شود به جای تمام انسان هایی که حکم ناحق برای شان صادر شده اشک می ریزم و هر بار جای یک نفر می شکم.

**با توجه به اینکه هم با کارگردانان و فضای حرفه ای تئاتر و هم با فضای کار کارگردانی که اثر اول یا دومش است آشنا هستید برای رفع مشکلات امید به چه اتفاقاتی دارید؟**

من بزرگترین مشکل را مخاطب تئاتر می دانم. فرهنگ سازی و تبلیغات کافی در این زمینه نیست ما در تلویزیون تبلیغ فیلم و سریال می بینیم اما تا حالا نشده یک تبلیغ برای تئاتر ببینیم. اگر از طریق رسانه ما می خواهید صحبتی با مخاطبان داشته باشید بفرمایید.

فکر می کنم که هر تئاتری را پیش از قضاوت خوب یا بد بودن باید دید چرا که هر تئاتری حرفی برای گفتن دارد. پیشنهاد می کنم تا جایی که می توانند همه کارها را ببینند چون در زندگی، فرهنگ و نگرششان بسیار تاثیر گذار خواهد بود.

### ویدا قره گوزلو:

#### وکالت یکی از شغل های مورد علاقه ام بود

**از ورودتان به دنیای تئاتر بگویید.**

سال ۹۲ که در رشته عمران در حال تحصیل بودم با کانون تئاتر دانشکده آشنا شدم و آنقدر آنجا مشغول بودم که هر دو ترم مشروط شدم و انصراف دادم و در کنکور هنر شرکت کردم و در دانشگاه سوره رشته کارگردانی قبول و به صورت حرفه ای وارد تئاتر شدم. در نمایش هایی مانند دیوار چهارم، تهوع، عروسی و پارلامده آ که اثر مشترک ایران و ایتالیا بود به عنوان بازیگر حضور داشتم که با این اثر هم در بخش علاوه فجر بودیم و هم در روسیه، کوزوو و مقدونیه اجرا رفتیم. کارگردانی مونولوگ توپس از آن بنکسی بزرگ را داشتم تا اینکه نقش وکیل در این نمایش را بر عهده گرفتم.

**چالش نقش وکیل برایتان چه بود؟**

وکالت یکی از شغل های مورد علاقه ام بود و این کار باعث شد تا فیلم های مستندی که از دادگاه ها وجود دارد را ببینم و قانون را مورد مطالعه قرار بدهم. اینکه چه میزان از جدیت و خشمی که در این کاراکتر است باید بر روی صحنه برود و میزان صمیمیت او با کاراکتر الناست چالش برانگیز بود که هدایت آقای ذولفقاری فرد بسیار کمک کننده بود و دلنشین بودن این کار را دو چندان می کرد.

**تفاوت تاثیر یک سالن پر از مخاطب با زمانی که مخاطبان استقبال کمی از یک اجرای می کنند برای یک بازیگر چیست؟**

تلاش من بشخصه اینست که سالن پر و یا خالی تاثیری روی جنس بازی ام نگذارد. فکر می کنم هر تعداد تماشاگری چه کم یا زیاد وقت گذاشته، اجرای مرا انتخاب کرده و آمده که صد مراروی صحنه ببیند و اگر بخواهم که به تناسب افرادی که به تماشای کار می نشینند لول بازی ام را کم و زیاد کنم این نشان از عدم اصالت بازیگر نسبت به کارش است به همین علت نه، تاثیری در اجرای من ندارد، اما انرژی مخاطب کتمان ناپذیر است و طبیعتا بازیگر تمایل دارد که در حین اجرا جمعیت کثیری در حال تماشا باشد باشند که بعد از اجرا هم او را نقد کنند ولی نباید کیفیت بازی او را تحت تاثیر قرار دهد.

**سخن پایانی**

درست است که نمی توان هیچ آینده ای برای تئاتر در نظر گرفت یا پیش بینی در رابطه با وضعیت تئاتر داشت و هر چند که در هر بهای از زمان به تناسب شرایط جامعه این مسئله وجود داشته، اما قلیا دوست دارم که محاکمه الناست تمديد شود و امکان اجرا در سالن ها و شهرهای دیگر داشته باشد. چرا که شهرهای بسیاری داریم که در زمینه تئاتر محروم هستند. ما مخاطبی داشتیم که از شیراز آمده بود و برای ما بسیار ارزشمند است که این مسیر طولانی را به عشق دیدن تئاتر طی کرده بودند و امیدوارم شرایط به شکلی در آید که نه تنها برای تئاتر بلکه برای هر کدام از ما بتوان آینده ای روشن پیش بینی کرد.